

و تا ماه‌ها پس از سفر نیز وجود دارد. به همین دلیل در جهان سنتی، از آن جا که زیارت، کمتر با دستکاری‌های اقتصادی و سیاسی همراه بود، اثرگذاری بیشتری داشت. در گذشته زیارت نوعی انقلاب درونی در افراد بود و زیارتگاه‌ها منطق پیچیده‌ای از تحولات فردی و گروهی را با خودشان ایجاد می‌کردند.

+

### زائر، سفر، زیارتگاه

نکته دوم در بحث چندمعنایی بودن زیارتگاه‌ها و بارگاه‌ها این است که این تکثر عملاً چیزی به نام جدال بر سر امر قدسی ایجاد می‌کند، اما این جدال به این معنا نیست که حتماً گروه‌ها و گفتمان‌های رقیب معنایی، با هم تضاد دارند. تمام این گفتمان‌ها هم‌زمان با هم وجود دارند و همگی آن‌ها کار می‌کنند و سعی می‌کنند خودشان را بالا بکشند، اما این بالا کشیدن به معنای حذف دیگری نیست. به طور سنتی در زیارتگاه‌هایی که مردمی بودند همیشه نوعی تکثر گفتمانی و حضور هم‌زمان گفتمان‌های رقیب معنایی وجود داشت که خود این تکثر، غنا ایجاد می‌کرد. برای مثال در مکه، شیعه، سنی و تمام مذاهب اسلامی حضور دارند و این تکثر مذهبی به آن مجموعه غنا می‌دهد. در واقع این تکثر، عاملی می‌شود برای نوعی اتحاد کلان. در عین حال که همه در تکثر هستند، اما جایی به نام «کعبه»، عاملی است برای اتحاد کلان؛ یعنی جاری بودن خصلت تکثر در زیارتگاه‌ها چه در قالب کعبه و چه در قالب بارگاه‌های شیعی، عامل وحدت است.

در مسئله زیارت، بحران اصلی، درک تقلیل یافته و منضبط و منجمدی است که از زیارت وجود دارد. بر اساس این تلقی از زیارت، فقط اندرونی صحن و نماز و دعایی که در آنجا خوانده می‌شود، مهم است؛ در حالی که در موضوع زیارت، چند عنصر کلیدی وجود دارد که یکی از آن‌ها خود زائر یا سوژه است. اینکه سوژه چگونه شروع به حرکت می‌کند و چه آدابی دارد، بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل فرایند زیارت با سفر سوژه شروع می‌شود و این سفر ادامه پیدا می‌کند تا به بارگاه می‌رسد و اتفاقاتی در آنجا روی می‌دهد و سپس بازمی‌گردد.

زائر، سفر و زیارتگاه، عناصر اصلی‌ای هستند که همیشه وجود داشته‌اند. در گذشته این طور نبود که فرد در زیارتگاه فقط یک کنش انجام دهد و مثلاً ضریح را ببوسد و برود. در بسیاری از زیارتگاه‌های قدیمی مثل امامزاده داوود، مردم قربانی و نذری توزیع می‌کردند و شاید تا چند سال پیش در مهمان‌سراها اطراف حرم نیز چنین چیزی وجود داشت و فردی که به زیارت می‌آمد چندین کار هم‌زمان مانند نذری دادن، قربانی کردن و سرزدن به زیارتگاه‌های حاشیه‌ای کوچک را انجام می‌داد؛ نذری می‌داد، قربانی می‌کرد یا به زیارتگاه‌های حاشیه‌ای کوچک سر می‌زد. زائر امروز مشهد ابتدا به حرم امام رضا و سپس به تفریحگاه می‌رود، اما زائری که قبلاً به مشهد می‌آمد به چند زیارتگاه کوچک اطراف مانند مزار اباصلت سر می‌زد و با انجام کارهای مختلف و دیدن جاهای مختلف تجربه‌اش مدام متکثرتر و غنی‌تر می‌شد. در حقیقت، مادر گذشته با تجربه چندلایه و متکثری مواجه بودیم که فقط به یک نقطه معطوف نبود.

+

### منطق گردشگری، منطق زیارت

نکته کلیدی‌ای که در تجربه زیارتگاهی ایران وجود دارد و به نظر من به طور ناخردانه‌ای در حال توسعه است، استفاده از اصطلاح مبهمی

هتل‌های لوکس و تاثیرگذار در گردشگری مشهد / هتل مدینه الجواد (لیان سابق)

